



ئە من گولەی خۆمم تەقان
هانى چەك هانى برا گیان
من ئاوري خۆمم كردهو
تۆش بى به دەست و بردەوه
ئاوري كەم ئاوري سورە
لە جاش و دوزمن تەندورە
لە گەل بۆر و پیاوى شارى
ھەموو فەقير و ھەزاري
يەك بن بشيلن رىگايە
كە ئاواتى ھەموو لايە

له هه موو رییه و مه زرایه
 له سه ر جاده، له کارگایه
 له مه کته بی مندان
 له گشت جیگای زولم و تالان
 یه ک بن بشیلن پته و بی
 ده بی ریگاکه هه روبی
 ریگاکه م زور سه خت و دوره
 ده س ده چه ک لی یان مه بوره
 ئه من گولهی خوم ته قان
 هانی چه ک هانی برا گیان
 من ئاوری خوم کرد و
 تو ش بی به ده ست و بر ده و
 مه لی ده ربند به رد و به رزه
 ئه مه به بی ترس و له رزه
 به یه ک هه نگا و چوینه سه ری
 چه نده جوانه ده ست و ده ری
 وه ک شه پولی له ده ریا یه
 هه تاوی سور له چیا یه

مردم مریوان پدیده های جدیدی را در مبارزه خلق ما بروز داده اند. و این پدیده ها
 نشان میدهند که بر استی توده های مردم سر چشم هم ابتکار انقلابی ند. هر روز شیوه های
 جدید در مبارزه انتخاب و کشف میکنند و به پیش میبرند. من امیدوارم با درک این
 امر مهم، مبارزه مان را محکمتر و عمیقتر کنیم.

من خیلی بطور مختصر اشاره ای بمبارزات چند ماهه اخیر مردم در مریوان
 میکنم. بعد از سقوط رژیم شاه و فرار بختیار، فئودالها (طرفداران حفظ روابط کهنه و
 ارجاعی) با زمینه ای که از قبل وجود داشت، به فعالیت افتادند. البته تذکر یک
 نکته ضروری است که مریوان در دوران حکومت شاه نیز شاهد جنبش های ده قانی
 بوده است که نمونه های برجسته آن، جنبش ده قانان "داسیران" است که مدت هشت
 سال با فئودالها و دولت مبارزه کردند و سرانجام پیروز شدند. و دهات دیگری نظیر
 "بیلو" که سه چهار سال در مبارزه بودند و همچنین "سرنژمار"، "بنویل"، "سر آباد"
 شاهد حرکت هائی علیه ستم بوده اند. این است که میشود گفت که قبل از قیام هم
 جنبش ده قانی در مریوان وجود داشته است. از طرف دیگر بخصوص جنبش ده قانان
 "داسیران" اهمیت درجه اولی دارد و این جنبش سبب شد که بین روشن فکران و مردم
 زحمتکش علیرغم کمبوده ای که داشت، یک پیوند نزدیک بوجود آید. و روشن فکرانی

که به ضرورت پیوند با مبارزه زحمتکشان پی برده بودند زودتر از هر جای دیگر کردستان به نظر من آنرا عملی کردند.

با این زمینه قبلی شکل گیری مبارزه طبقاتی در مریوان و فعالیت مجدد مرجعین بود که در اسفند ماه سال گذشته (اسفند 1357) برای جلوگیری از یورش مجدد ارتقای و فئودالها در مریوان اتحادیه دهقانان تاسیس شد.

این اتحادیه ابتدا از نمایندگان پیشرو سه روستا و سپس تا سی و چند روستا تشکیل یافت. این بخشی از مبارزه مردم مریوان بود که مربوط به زحمتکشان روستا بود، در شهر نیز جنبش، بیشتر روش‌نگران را به جنب و جوش انداخته بود و بازار هم خیلی کم به این مبارزه کشیده میشد. البته تذکر این نکته ضروری است که بازاری‌ها خیلی کم فعال بودند اما بعد از قیام، کارگران در معرض بیکاری و گرسنگی عجیبی بودند. و این عامل مادی برای اعتراض و حرکت آنان بود و به این ترتیب مبارزه مردم زحمتکش و پیوند روش‌نگران با آن هر روزه اوج تازه‌ای میگرفت. تا آنجا که به اتحادیه دهقانان مربوط است، فئودالها و مرجعین ابتدا

میخواستند با تبلیغات جلو رشد آنرا بگیرند. و سمپاشیهای مزورانه خود را شروع کردند که این یک جریان کمونیستی است، بی دینی است و این قبیل عوام‌فریبیها که برای همه شما آشنا است. اما گسترش روزافزون فعالیت اتحادیه دهقانان و روی آوردن هر چه بیشتر مردم زحمتکش روستاهای و حتی شهر به آن مشت محکمی بود بر دهان این مرجعین.

فئودالها و مرجعین که متوجه شدند با تبلیغات نمیتوانند جلو رشد مبارزه مردم را بگیرند، به زور متول شدند و باین ترتیب از دارودسته مفتی زاده و قیاده موقت بهره برداری کردند که اکنون به جزئیات آن اشاره نمی‌کنم ولی مختصراً اشاره‌ای به نقش قیاده و مفتی زاده مینمایم:

در جریان جنگ خونین سنت‌دج در نوروز 58 تعدادی از پاسگاه‌ها مریوان از طرف اتحادیه دهقانان و مردم خلع سلاح شدند. که روش‌نگران انقلابی نقش برجسته‌ای در آن بازی کردند. و به این ترتیب در برابر ارتقای اتحادیه دهقانان رفته رفته مسلح شد. با توطئه مفتی زاده و عواملش در مریوان قیاده موقت شروع به خلع سلاح اعضای اتحادیه دهقانان کرد و در این رابطه تاکنون مجموعاً 11 قبضه اسلحه را اعم از تفنگ و طپانچه ضبط کرده است.

تجاوزات قیاده موقت تا آنجا رسید که بخود اجازه داد بطور مسلح‌انه مریوان را محاصره کند و خواستار تحويل مبارزین و فعالین جنبش گردد.

اما مردم مریوان دسته جمعی در مقابل قیاده موقت ایستادگی کرد و قیاده موقت مجبور به عقب نشینی شد. اما این یورش قیاده موقت بر اتحادیه دهقانان نیز تاثیر گذاشت و در مجموع میشود گفت که آنرا ضعیف کرده بود. مشخصاً بعد از یورش قیاده موقت در جلسات نمایندگان اتحادیه دهقانان اثر گذاشت. یعنی اگر در

جلسات قبلانه بیش از 30 روستا شرکت داشتند، بعد از آن در جلسه‌ای که تشکیل شد از 22 روستا، نماینده 15 روستا شرکت کردند. در آن جلسه مسئله‌ای که مطرح بود و میباشد به آن جواب میدادیم این بود که در برابر وصعیت جدید چکار کنیم؟

پیشنهادات مختلفی ارائه شد. همه اعضای شرکت کننده به ضرورت دفاع پی

برده بودیم اما درمورد شیوه آن دو راه در مقابل ما قرار گرفت:

1- با راه‌پیمایی عمومی با شرکت مردم شهر و روستا بطرف مقر قیاده موقت در "درزی" به آنها فشار بیاوریم و آنها را اخراج و خلع سلاح کنیم.

2- یا ما هم نیروی مسلح مشکل تشکیل دهیم برای دفاع از خود و ادامه^۱ فعالیتهای اتحادیه دهقانان و دفاع از منافع دهقانان.

که بلاخره پس از بحثهای طولانی راه دوم را انتخاب کردیم. علت انتخاب راه دوم این بود که آنرا درست‌تر تشخیص میدادیم چون هدف ما فقط اخراج قیاده موقت یا جلوگیری از یورش آنها نبود، بلکه مبارزه در راه تشکل زحمتکشان و بالا بردن آگاهی، لزوم مبارزه و تشکل زحمتکشان اساس آنرا تشکیل میداد.

و به این ترتیب دهقانان پیشمرگ را بیرون فرستادند. پیشمرگ دهقانان دست به "جهوله" (گشتزنی سیاسی در روستاهای زد و در دهات به تبلیغ پرداخت. فشرده تبلیغات تاکنون چنین بوده است:

اول مبارزه با تفکر و راهی که میشود آنرا طرفداری از شاه نامید. البته در اثر کینه به فئودالها طرفداری از شاه وجود داشت. در رابطه با مسئله^۲ اصلاحات ارضی. خلاصه سخنرانیهای ما، تبلیغات و افشاگریهای ما این بود که نشان دهیم اصلاحات ارضی شاه یک اصلاحات صحیح و واقعی نبوده، در این رابطه این مسئله را مطرح میکردیم که ستمهای رژیم شاه بعد از اصلاحات نه تنها کم نشده بلکه بیشتر و بیچیده‌تر شده بود و اصلاحات ارضی نیز در مجموع تاثیر منفی و مخرب روی زندگی دهقانان داشته است. نمونه‌های مشخصی که اعضاء زحمتکش روستائی عضو اتحادیه در جلسات عمومی دهات ذکر میکردند بسیار آموزنده بود.

دوم بحث روی دستاوردهای قیام مردم ایران علیه رژیم شاه و نقایص آن. از دستاوردهای قیام و سرنگونی شاه نمونه‌های میآوردهایم دال بر اینکه بعضی ستمهای دولتی مثل زورگوئی ژاندارمی، ماموران جنگلبانی موقتاً از بین رفته است. علاوه بر آن از دستاوردهای دیگر چیزی را که میشود بعضی آزادیهای دمکراتیک نامید از نتایج قیام است. مثل تشکیل جلسات، تشکیل اتحادیه‌ها، مسلح شدن مردم و غیره که دستاورد مشخص قیام توده‌های مردم است، از نقایص آن به فعالیت مجدد فئودالها و مرجعین در منطقه خود اشاره میکردیم و اینکه این طبقات مرجع نیز مورد حمایت حکومت مرکزی جدید نیز قرار میگرفتند. چون حداقل در منطقه ما حکومت مرکزی نه تنها سیاست ضد فئودالی نداشت بلکه مستقیماً آنانرا

حمایت و تقویت میکرد. ما در این تبلیغات سعی میکردیم برادران دهقان را به این مسئله مهم آگاه کنیم که اگر تشکل پیدا کند برای مبارزه علیه فئودالها، ناگزیر باید این تشکل در مبارزه با حکومت مرکزی نیز قرار گیرد و به این ترتیب مبارزه ملی و طبقاتی با یکدیگر پیوند می یافتد و ستم ملی که حکومت مرکزی به آن ادامه میداد بدونه شرکت دهقانان و زحمتکشان در مبارزه طبقاتی بر چیده خواهد شد.

تا واقعه اخیر مریوان که عده‌ای جاش و فئودالها، ساواکیها و عناصر فاسد. مرکزی را تشکیل داده‌اند به نام "سپاه پاسداران انقلاب مریوان". روز 23 تیر به دعوت اتحادیه دهقانان، پیشگام، شورای زنان و جمعیت خواستاران حقوق ملی خلق کرد مریوان، تظاهراتی بر پا شد در اعتراض به تبلیغات دشمنانه رادیو تلویزیون و اعتراض به مسلح کردن مرتعین از طرف دولت. در جریان تظاهرات مردم که جلو رادیو تلویزیون میرساند به دار و دسته پاسداران اعتراض میکنند واز آنان میخواهند که خلع سلاح شوند. یکی از سرکرده‌های این دارودسته ریاکارانه قول میدهد که تسليم شوند. اما وقتی مردم به طرف آنها میروند شروع به تیراندازی کردند که در نتیجه سه نفر شهید میشود. که بعد از آن مرکز فسادر اثر تیراندازی تسخیر میشود و تعدادی از جاشها نیز کشته میشود. دیدیم که بلاfacله از تهران پاسدار به مریوان اعزام کردند و اطراف شهر نیز از طرف مردم و نیروهای مسلح سنگر بندی شد. دولت تهدید کرد که اگر پاسداران نتوانند مسئله را حل کنند "ارتش جمهوری اسلامی" دخالت نظامی خواهد کرد. مردم که فهمیدند پاسداران به حمایت از چه کسانی به مریوان آمده‌اند، و ارتش میخواهد از چه چیزی دفاع کند. در شهر و دهات دست به دست هم دادند و برای دفاع آماده شدند. و برای اولین بار بود که به این صورت جدی مبارزه مردم شهر و ده با هم پیوند میخورد. برای مدتی یورش ارتجاج به شهر باعث رکود مبارزه شده بود. چون به حدی برای عناصر مترقی و انقلابی فشار آورده بودند که شهر را خفغان فرا گرفته بود، اما دوباره مبارزه اوچ گرفت و بدانجا رسید که مرکز فساد و مرتعین را نیز تسخیر و خلع سلاح کردند. و این تنها مرکز ارتجاج محلی نبود بلکه پایگاه حکومت مرکزی نیز بود، و اکنون با اعزام پاسداران و تهدید ارتش مردم دهات نیز به مبارزه بر خواسته‌اند. که متوجه شدند تنها با زور نمیتوانند در برابر مردم ایستادگی کنند. چرا که کوچ مردم مریوان و با پشتیبانی مردم دهات از مردم شهر مشت محکمی بر دهان یاوه‌گوی سردمداران حکومت مرکزی بود. و مجبور به مذاکره شدند. که من جریان مذاکرات رابه طور مختصر برای شما باگو میکنم:

دوره اول مذاکرات با رئیس پاسداران اعزامی شخصی بنام "گلستانی" شروع شد. او مذاکرات را با دفاع از جاشها و عناصر فاسد شروع کرد و به وصف آنها پرداخت که آنها شهید شده‌اند مبارز بودند، طرفدار امام بودند و از این قبیل و بعد از

مقداری عوام‌فریبی پیشنهادش این بود که پاسدار نظم شهر را به دست گیرد تا زمانیکه شهربانی و ژاندارمری دوباره مستقر شوند. و مخصوصاً جمله‌ای از سخنانش یادم هست که میگفت: "اگر این پیشنهاد را قبول کنید باهاتون نمی‌جنگیم!؟ مگر دوباره نطفه خرابکاری! پیدابشه بعد باهاتون میجنگیم. که شورای موقت شهر مریوان آنرا قبول نکرد. البته این را هم خاطر نشان کنم که شورای موقت شهر مریوان در روز دوم بعد از جریانات بود که با شرکت این نمایندگان رسماً تشکیل شد:

دو نفر نماینده بازار، نماینده جمعیت، نماینده اتحادیه دهقانان، نماینده پیشگام، نماینده حزب دمکرات مریوان، دو روحانی. که بعضی از این نمایندگان در شوراهای قبلی شهر عضویت داشته‌اند. بعد از اینکه مذاکرات با رئیس پاسداران به نتیجه نرسید. ما شورای موقت شهر درخواست کردیم که نماینده از طرف دولت و خمینی به مریوان بیایند، که بالاخره آیت الله لاهوتی را فرستادند.

تمام کسانی که تاکنون با ما مذاکره کرده‌اند، چه گلستانی، چه آیت الله لاهوتی و چه چمران همگی در یک مسئله اتفاق نظر دارند و آن اینکه آنها واقعاً طرز برخورد فاشیستی و بدینانه‌ای نسبت به خلق کرد دارند و هر چه که جاشها در پادگان به آنها گفته فقط آنرا قبول دارند. و اصلاً به حرف مردم و نمایندگان شورای موقت شهر گوش نمیدهند.

چند نکته از طرز برخوردهای آنها را برای شما میگوییم که ببینید تا چه حد مظلوم نمایی و شیادی میکردند مثلاً می پرسیدند آیا شما جمهوری سلامی را قبول دارید؟ یا رهبری امام را قبول دارید؟ اگر قبول دارید هر چه جمهوری اسلامی و امام دستور دهد باید اجرا شود. و این خیلی شباهت دارد به دوران حکومت شاهنشاهی، در دوران شاه نیز چنین سوالاتی را میکردند که آیا شاهنشاه آریا مهر را قبول داری؟ انقلاب سفید را تأیید میکنید؟ اگر قبول نداری ضد انقلاب هستید!

این نمایندگان دولت جمهوری اسلامی نیز به کوچکترین مخالفت و اعتراض بر چسب ضد انقلاب می زندو فوراً میگویند: تو مسلمان نیستی و ضد اسلامید، ضد جمهوری اسلامی هستی و از این قبیل.

من در اینجا به دو تجربه مشخص مبارزه مردم مریوان اشاره میکنم. تجربه اول در مورد شورای موقت شهر و مسئله مذاکرات است.

ما در این مذاکرات دچار نوساناتی شده‌ایم، گاهی قاطع و گاهی کمتر قاطع بوده‌ایم. اما در مجموع سیاست ما قاطعانه بوده است و علت اصلی آن این نکته مهم است که:

اول _ هر اندازه تماس شورای موقت با توده بیشتر بود و هر اندازه توانسته باشد روحیه مردم و تمایلات آنانرا درک کند بهمان نسبت در مذاکره با دشمن قاطعیت بیشتری داشته اند.

دوم هر اندازه شورا در شناسایی نیروی دشمن و روحیه آنها موفق بوده باز هم در قاطعیت شورا در مذاکرات تاثیر گذاشته است، یعنی مجموعاً 'شناسایی دوست و دشمن در موضعگیری شورا عامل تعیین کننده است.

تجربه دوم_ تجربه مبارزه مردم مریوان و شیوه‌های تازه‌ای که مردم مستقلان برای مبارزه انتخاب کرده‌اند و تاثیرات آن در سرتاسر کردستان و ایران و حتی جهان است چون جریانات مریوان اکنون افکار عمومی را بخود مشغول کرده است و خبرنگاران زیادی چه در داخل کشور و چه از خارج به اینجا آمدند.

وقتی پاسداران و ارتش به سیاست زور و سرکوب متول شدند و مردم مریوان ابتکار را به دست گرفتند و برای جلوگیری از جنگ و مقابله با تهدیدات دشمن تصمیم گرفتند شهر را ترک کنند و به اردوگاه برونده از (وقوع جنایات) نقده دیگر جلوگیری کنند و در مقابل زورگویی نیز تسلیم نشوند، این ابتکار انقلابی مردم مریوان پشتیبانی وسیع رادر سرتاسر کردستان جلب کرد و جنبش نوینی در سرتاسر کردستان بر پا شد. که نمونه آن راهپیمایی بیش از 2000 نفری مردم سندج بطرف مریوان و راهپیمایی مردم بوکان، سقز و بانه را نیز به دنبال داشت. یعنی شیوه مبارزه به سبک توده‌ای باعث تقویت مبارزه توده‌ای در جاهای دیگر شد و در مجموع وحدت رزمی خلق کرد را فشرده‌تر کرد و پیوند خلق کرد را با دیگر خلق‌های ایران محکمتر کرد. چون دیدیم بسیاری از برادران و خواهران فارس، ترک و حتی بلوج و عرب به مریوان آمدند و کمک‌های داروئی و جنسی و غذایی از تمام نقاط ایران به مریوان فرستاده‌ند و این در مجموع ضربه بزرگی بود به رژیم و افشاری سیاستهای سرکوبگرانه آن.

نمایندگان مختلف دولت لاهوتی، چمران، گلستانی و..... بعد از به بن بست رسیدن مذاکرات به زور متول شدند. آنها تعدادی از جاشهارا از پادگان به طرف سنگرهای ما فرستادند که پیشمرگان قهرمان ما آنانرا به عقب راندند. روز بعد دوباره حمله دیگری کردند و روز سوم حدود 100 جاش شروع به پیشروی کردند و از طرف پادگان مریوان نیز بوسیله خمپاره و توب و تیربارهای کالیبر 50 مورد حمایت قرار گرفتند و سنگرهای ما را زیر آتش حملات سنگین قرار دادند که در این حمله یکی از برادران پیشمرگ ما شهید شد و دو پیشمرگ نیز زخم سطحی برداشتند. پیشمرگهای ما مقاومت قهرمانانه‌ای کردند و از نیروی دشمن تعدادی را به خاک انداختند که آمار درست آنرا اصلاً اعلام نمیکنند تا مبادا روحیه‌شان ضعیف شود. اما با اطلاعاتی که بدست ما رسیده حداقل 12 نفرشان کشته شده و تعداد زیادی

نیز زخمی داشته‌اند و بالنتیجه این بار نیز با شکست روبرو شده‌اند و مجدداً عقب نشینی کرده‌اند.

نکته دیگری که در مذاکرات ما به آن پی بردم این بود که افراد مختلف اعزامی از مرکز به هیچ وجه حسن نیت نداشتند و این در شیوه مذاکرات با ما کاملاً مشهود بود. آنها ابتدا سعی میکردند که با ما مذاکره نکنند و تنها گروه مورد اعتماد آنها جاشهای مریوان بودند که به پادگان پناه برده بودند و وقتی هم مجبور شدند مذاکره کنند باز هم حاضر نشدند مستقیماً با شورای موقت شهر مذاکره کنند و اصلاً حاضر نبودند بعنوان نمایندگان مردم آنانرا به رسمیت بشناسند و حتی میگفتند که شورا خود مجرم و تحت تعقیب است. وقتیکه هیاتی مرکب از چمران، فرمانده نیروی زمینی، فرمانده لشکر کرمانشاه، فرمانده پاسداران به مریوان آمدند از طریق استاندار بطور غیر مستقم ارتباط داشتند. مثل مذاکرات غیر مستقم اعراب و اسرائیل که گوناریارینگ واسطه این مذاکرات بود. و آقای استاندار نیز نقشی گوناریارینگ را بازی میکرد. هیئت دولت برای اینکه امکان تماس مستقیم رانیز قطع کنند، تلفن پادگان به شهر رانیز قطع کرده بودند و با سفارش آقای استاندار اعضای هیئت و یا استاندار میتوانستند ظرف چند دقیقه با شواری شهر تماس حاصل کند. اما علیرغم تمام سوء نیتها و کار شکنی ها وقدرت نمائیهای هیئت دولت بالاخره مجبور شدند مستقیماً با شورا تماس بگیرند.

اینجا لازم میدانم کمی از سیاستهای شیادانه و عوام‌فربیانه آقای چمران را برایتان بگویم. چمران میگفت من وقتی به مریوان آمدم متعجب شدم که مردم نماز میخوانند. بعد که یکی از برادران بازاری توضیحات کافی در مورد سابقه نفوذ اسلام در کردستان را داد، چمران در جواب گفت: پس حالا که مردم نماز میخوانند و مسلمان هستند چطور برعلیه جمهوری اسلامی قیام میکنند و از دولت اطاعت نمیکنند.

یا میگفت طبق اطلاعات دقیق که به ما رسیده 75 صهیونیست در مریوان فعالیت دارند و نیروهای خارجی زیادی در منطقه نفوذ کرده‌اند. ما در جواب گفتم آقای چمران شما بهتر میدانید که ما علیه رژیم شاه مبارزه کردیم، حالا اگر جرئت دارید و راست میگوید صهیونیستها را به ما معرفی کن تا در حضور تمام مردم به محکمه علی بکشیم. اما کاملاً به بن بست میرسید. مردی پیش آمد که چمران از چگونگی خلع سلاح پاسداران سوال کرد و گفت من شخصاً در تمام مدت درگیری تلفنی با آنها در تماس بودم و میدانستم که چگونه ناجوانمردانه به آنها حمله شده است. در حالیکه ساختمان سپاه پاسداران اصلاً تلفن نداشت. در مقابل این همه شیادی و عوام‌فربیی که هر بار سرش به سنگ میخورد انگار هیچ چیزی اتفاق نیفتاده و من فکر میکنم شخصی باید استاد ارتجاع باشد که به این اندازه پررو و بی شرم باشد. یا مثلاً میگفت در کردستان اسلحه زیادی مصادره شده است، و ما هم در جواب

میگفتیم مقدار اسلحه‌ای که در کردستان به دست مردم رسیده قابل مقایسه با اسلحه‌های مصادره شده در پادگانهای تهران نیست. در موردی ما گفتیم آن پاسدارهای محلی که استخدام شده بودند آیت الله خمینی از وضعشان بی خبر بوده که چه کسانی هستند در جوابی شیادانه میگفت: یعنی آیت الله خمینی جاھله؟ تا بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات خودشان اعلامیه‌ای از قول مردم مریوان تنظیم کردند خطاب به لشکر 28 کردستان که ارتش کنترول شهر را با کمک مردم به دست بگیرد و سپاه پاسداران بتدریج از شهر خارج شوند. که ما اعتراض کردیم که این تحملی دیکتاتور مبانه است و مخصوصاً "عمداً" هیچ اشاره‌ای به شورای موقت شهر نشده است. از عوام‌فریبیهای چمران باز هم نمونه‌ی دیگری دارم همچنان که می‌دانید تعدادی از برادران ما را دستگیر و زندانی کرده بودند. و شایع کرده بودند که یکی از این زندانیان شکنجه گر ساواک بوده است اما وقتی در اثر وحدت مبارزه مردم مریوان و سنندج مجبور شدند زندانیان را آزاد کنند ما اعتراض کردیم که چرا بقول خودتان مامور ساواک را آزاد کرده‌اید چون ساواکی زندانی ما نیست باید محکمه‌اش کنید، و یا اینکه در این‌مورد تهمت زده‌اید که باید رسماً معذرت خواهی کنید.

اما باز هم مژوارانه جواب میداد: آیا بد کاری کردیم که زندانیها را آزاد کردیم. این چنین است ماهیت سردمداران هیئت حاکمه. بهر حال با توجه به این خصوصیات نمایندگان دولت ما باید منتظر حیله گریها و توظیه‌های مسلحانه را داشته باشیم که برای هر دوی آن آماده‌ایم.
زنده باد وحدت و برادری ما